نوع مقاله: پژوهشی
10.52547/mth.12.24.29 doi
دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴
پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

مقایسهٔ نقش‌مایه‌های گیاهی کاشی‌های کاخ ویران‌شدهٔ جهان‌نما با سایر کاخ‌های صفوی اصفهان*

فاطمه حسن‌وند** میترا شاطری*** علی شجاعی اصفهانی****

چکیده

کاخ جهان‌نما در ابتدای خیابان چهارباغ، یکی از کاخ‌های معروف دورهٔ صفوی است که همچون بسیاری از کاخ‌های دیگر این دوره، در عهد قاجار و به‌صورت مشخص، در حکومت ظل‌السلطان، به‌طور کامل ویران شد. با کاوش‌های باستان‌شناسی در محدودهٔ تقریبی کاخ در سال ۱۳۹۴، علاوه بر مشخص شدن مکان دقیق آن، تعداد قابل‌توجهی قطعات کاشی هفت‌رنگ با نقوش گیاهی به دست آمد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقوش گیاهی به‌کاررفته روی کاشی‌های کاخ ویران‌شدهٔ جهان‌نما و دستیابی به وجوه اشتراک و افتراق میان این نقوش با نقوش گیاهی کاشی‌های کاخ‌های برجاماندهٔ دورهٔ صفوی در اصفهان و شناخت مـؤلفه‌های شاخص آن‌ها صورت گرفته است. سؤالات پژوهش، شناسایی نوع نقوش گیاهی غالب در کاشی‌های کاخ جهان‌نما و شباهت‌ها یا تفاوت‌های آن‌ها با سایر نقوش گیاهی روی کاشی‌کاری‌های دیگر کاخ‌های دورهٔ صفوی شهر اصفهان است. اطلاعات این پژوهش ازطریق روش یافته‌اندوزی توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی و با گردآوری اسناد و متون کتابخانه‌ای از یک‌سو و از سویی دیگر، بررسی ۱۴۱ قطعه کاشی مکشوفه از کاخ جهان‌نما و تطبیق آن‌ها با نقوش کاشی‌های کاخ‌های عالی‌قاپو، چهل‌ستون و هشت‌بهشت انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در میان نقوش گیاهی به‌کاررفته در کاشی‌های کاخ جهان‌نما، نقوش اسلیمی و ختایی به‌ترتیب بیشترین کمیت را داشته‌اند و نقش‌های یادشده، با زیرمجموعه‌های وسیع، نشان از مطابقت بسیار با سایر نقوش موجود روی کاشی‌های دیگر کاخ‌های اصفهان دارند. در هر چهار بنای موردپژوهش، بیشترین شباهت را می‌توان در تلفیق نقوش اسلیمی با نقوش ختایی مشاهده نمود، درحالی‌که در برخی بخش‌ها، نقوش ختایی به‌صورت منفرد و تنها در یکی از کاخ‌ها به کار رفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: کاخ‌های صفوی، کاخ جهان‌نما، کاشی‌کاری هفت‌رنگ، نقوش گیاهی، نقوش اسلیمی، نقوش ختایی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد فاطمه حسنوند گندائی با عنوان «مطالعهٔ تطبیقی نقوش، مضامین و فنون کاشی‌های حاصل از کاوش در محل کاخ جهان‌نما با دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان» به راهنمایی دکتر میترا شاطری و دکتر علی شجاعی اصفهانی در دانشگاه شهرکرد است.

** کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد. fh.arch96@gmail.com
*** دانشیار، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد (نویسندهٔ مسئول). shateri.mitra@sku.ac.ir
**** استادیار، دانشکدهٔ مرمت و باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان. a.shojaei@aui.ac.ir

مقدمه

با پایتختی اصفهان در سده‌های ۱۱ و ۱۲ هجری قمری، بر وسعت این شهر افزوده و ابنیه و کاخ‌های فراوانی در آن بنا شد که چشم جهانگردان را به زیبایی خود خیره کرد. در متون برجامانده از دورهٔ صفویه و پس از آن، از بسیاری از کاخ‌ها و عمارت‌های باشکوه شهر که از شاهکارهای معماری آن دوره بوده‌اند، نام برده شده است، اما متأسفانه عمدهٔ کاخ‌ها و کوشک‌های صفوی در زمان حاکمیت ظل‌السلطان (۱۳۲۵-۱۲۹۱ه.ق.)، فرزند ارشد ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ه.ق.) به بهانه‌های متعددی از میان رفته و امروزه تنها نام یا تصاویری انگشت‌شمار از آن‌ها بر جای مانده است.

در خلال متون بازمانده از این دوره، اشارات بسیاری درخصوص تزیینات کاخ‌ها و عمارات دیده می‌شود، اما بیشتر این اشارات بر نقاشی‌ها و گچبری‌ها متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که کاشی‌کاری شاخص‌ترین آرایهٔ به‌کاررفته در آرایش و پیرایش درون و برون بناهای شاخص دورهٔ صفوی است. نقوش کاشی‌های این دوره بیشترین تنوع رنگ‌بندی و طرح‌ها را دارند و همچنین در این دوره، نقوش به‌کاررفته در نگارگری، روی کاشی‌ها نیز به کار گرفته می‌شود. نقوش ترسیم‌شده بر کاشی‌های این دوره، متأثر از وضعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی، تنوعی قابل‌توجه را به نمایش می‌گذارند. نقوش انسانی و جانوری پس از رکود در دورهٔ تیموری، با خیزشی بیشتر بر کاشی‌ها ترسیم شد، اما همچنان بیشترین میزان نقوش همچون گذشته از آنِ نقوش گیاهی (دربرگیرندهٔ نقوش اسلیمی ـ ختایی و واقع‌گرایانه)، هندسی و کتیبه‌ای بوده است.

کاخ جهان‌نما در دورهٔ شاه عباس اول در ابتدای خیابان چهارباغ ساخته شد و در دورهٔ قاجار همچون تعدادی دیگر از عمارت‌های دورهٔ صفوی ویران شد و کوچک‌ترین اثری از آن بر جای نماند. پس از گذشت بیش از ۱۲۰ سال از ویرانی این کاخ، کاوش‌های باستان‌شناسی در سال ۱۳۹۴ در محل کاخ، منجر به شناسایی آثار و بقایای کاخ و یافته‌های متعدد سفالی، فلزی، شیشه‌ای، استخوانی، نقاشی روی گچ و کاشی شد. با توجه به تنوع و گستردگی تزیینات کاشی هفت‌رنگ در بناهای دورهٔ صفوی اصفهان، در این پژوهش ۱۴۱ قطعه از کاشی‌های حاصل از کاوش در محل کاخ جهان‌نما مورد بررسی قرار خواهند گرفت. نگارندگان در این مطالعه سعی دارند با طراحی، طبقه‌بندی و تحلیل نقوش گیاهی این کاشی‌ها و تطبیق آن‌ها با نقوش کاشی‌های دیگر کاخ‌های برجاماندهٔ صفویان در اصفهان (عالی‌قاپو، هشت‌بهشت و چهل‌ستون)، به نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها پی ببرند تا شناخت مؤثرتری در درک بهتر تزیینات کاشی‌کاری بناهای صفوی، به‌ویژه کاخ‌های این دوره، حاصل شود.

پیشینهٔ پژوهش

استفادهٔ گسترده از کاشی‌های هفت‌رنگ در آرایش و پیرایش بناهای دورهٔ صفویه، نشان‌دهندهٔ اهمیت و ضرورت بررسی نقوش کاشی‌ها و انجام مقایسهٔ تطبیقی تزیینات کاشی در یکی از بناهای شاخص اوایل دوران صفویه است. اگرچه در رابطه با خود کاخ و تزیینات آن در خلال منابع دست‌اول و سفرنامه‌های قاجار اشاراتی قابل‌دستیابی است که در مطالعات پیشین کاخ جهان‌نما به آن‌ها اشاره شده (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۶)، اما در رابطه با تزیینات کاشی‌های هفت‌رنگ کاخ که عمدتاً شامل نقوش گیاهی می‌شد، در هیچ‌کدام از منابع، اطلاعی در دسترس نیست. در مطالعات و پژوهش‌های حاصل از کاوش در محل کاخ، تنها به بیان دانسته‌های کلی از نمونه‌های کاشی و اطلاعات مربوط به ثبت و ضبط نمونه‌ها پرداخته شده است که خود ضرورت انجام چنین مطالعه‌ای را به‌خوبی آشکار می‌کند (همان).

در دورهٔ صفوی به نام این کاخ به‌صورت مستقیم اشاره‌ای نشده، اما در دورهٔ قاجار برای نخستین‌بار سیف‌الدوله (۱۲۵۰-۱۲۴۰ه.ق.) حاکم اصفهان در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ه.ق.) در سفرنامهٔ خود از کاخ با نام «جهان‌نما» نام برده است (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۶۶). پس از آن، در همین دوره (دورهٔ قاجار) نیز به‌دفعات از آن با عنوان یکی از کاخ‌های دورهٔ صفوی و با نام «کاخ جهان‌نما» یاد شده است (تحویلدار اصفهانی، ۱۳۴۲: ۲۶؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۱). قبل از تخریب بنا، تنها به‌طور خاص چارلز ویلز[1] (حضور در اصفهان از سال ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۰ میلادی) و جان تامسون[2] در سال ۱۸۹۱ میلادی در عباراتی کوتاه تزیینات کاشی کاخ را منتسب به دورهٔ افغان و نیمهٔ اول قرن هجدهم میلادی دانسته‌اند (Wills, 1891: 198; Thomson, 1891).

مطالعات کنونی روی کاشی هفت‌رنگ در قالب پایان‌نامه‌هایی به تزیینات کاشی هفت‌رنگ در مساجد (الیاسی، ۱۳۹۶) یا حمام‌های شاخص صفوی اصفهان (منصوری جزآبادی، ۱۳۹۳) یا به‌طور مجزا به بررسی نقوش حیوانی (ماهرالنقش، ۱۳۹۷) یا انسانی (رضاسلطانی، ۱۴۰۰) روی کاشی‌های بناهای اصفهان معطوف شده است. به‌این‌ترتیب، برخلاف مطالعاتی که روی نمونه‌های برجامانده در بناها انجام شده، تاکنون نقوش قطعات کاشی مورد بررسی قرار نگرفته و تنها مطالعاتی با دیدگاه صرف تکنیکی و باستان‌سنجی قابل‌ردیابی است (Holakooei, 2012).

پس از شجاعی اصفهانی، مطالعات فرشید امامی (Emami, 2019) منجر به انتساب چهار صحنهٔ کاشی‌کاری‌شده با کاشی هفت‌رنگ به تزیینات داخلی کاخ جهان‌نما شد که قبل از تخریب کاخ به سرقت رفته بودند و اکنون در موزه‌های متروپولیتن، ویکتوریاوآلبرت و لوور [۳] نگهداری می‌شوند. اگرچه نقوش انسانی مضمون اصلی این تزیینات را شامل می‌شود، نقوش گیاهی در پس‌زمینه و حاشیهٔ تصاویر با نمونه‌های شناسایی‌شده در کاوش کاخ جهان‌نما قابل‌مقایسه است. به‌این‌ترتیب، برخلاف مطالعاتی که روی نمونه‌های برجامانده در بناها انجام شده، تاکنون هیچ‌گونه مطالعهٔ مستقلی بر نقوش گیاهی کاشی‌های دورهٔ صفوی، به‌ویژه نقوش کاشی‌های بناهای ازمیان‌رفته، صورت نگرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش به روش گردآوری، تلفیقی از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای (ازطریق بررسی متون و اسناد) به‌صورت توصیفی، تحلیلی و براساس اسناد و بررسی بناهای موجود صورت گرفته و ارزیابی داده‌ها به‌صورت تطبیقی انجام شده است. درمجموع، ۱۶۵ قطعه کاشی از خلال کاوش کاخ جهان‌نما به دست آمد که با حذف سه قطعه با نقوش انسانی و جانوری و کاشی‌های کوچک، آسیب‌دیده یا لعاب‌پریده، درنهایت تعداد ۱۴۱ قطعه کاشی هفت‌رنگ که دارای نقوش گیاهی بودند، مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش، پس از عکس‌برداری کاشی‌های موردنظر، نقوش آن‌ها جهت وضوح بیشتر، با استفاده از نرم‌افزار راینو [۴] طراحی و سپس برمبنای نقش هر قطعه طبقه‌بندی شد. در مرحلهٔ بعد، بررسی تطبیقی بین نقوش کاشی‌های مکشوفه از جهان‌نما و سه کاخ برجامانده از دورهٔ صفوی اصفهان (عالی‌قاپو، هشت‌بهشت و چهل‌ستون) صورت گرفت.

کاشی‌کاری در کاخ‌های اصفهان دورهٔ صفوی

پس از پایتختی اصفهان در دورهٔ صفویان به‌منظور ایجاد مکانی برای سکونت و استقرار شاهان، درباریان، پذیرش سفرای کشورهای بیگانه و بالاخره القاء شکوه و جلال دولت صفوی، کاخ‌سازی رواج گسترده‌ای یافت. این کاخ‌ها عمدتاً در محدودهٔ دولتخانه، از کاخ عالی‌قاپو تا دروازهٔ دولت فعلی، در دو طرف چهارباغ و در حاشیهٔ رودخانهٔ زاینده‌رود به دست شاهان، صاحب‌منصبان و ثروتمندان ساخته شدند.

از سلطنت شاه عباس اول تا پایان سلطنت شاه سلطان حسین و به‌مدت یک قرن و نیم، اصفهان پایتخت این پادشاه و جانشینان او بود. در دورهٔ صفویه، عموم پادشاهان این سلسله به عمران، آبادی، ایجاد بناهای جدید و افزودن آن‌ها بر ساختمان‌های پیشین علاقه‌مند بودند. کاخ‌هایی که در دورهٔ صفویه و در مدت یک و نیم سده سلطنت شاهان صفوی در اصفهان ساخته شد را می‌توان به دو گونهٔ کاخ‌های پذیرایی و قصرهای نشیمن تقسیم‌بندی کرد. از کاخ‌های پذیرایی که کم‌وبیش آثاری از آن‌ها در اصفهان بر جای مانده و امروزه جلب‌توجه می‌کند، کاخ عالی‌قاپو و چهل‌ستون را باید نام برد و از قصرهای نشیمن که در اواخر دوران قاجاریه بسیاری از آن‌ها از بین رفت، به‌جز عمارت مشهور به تالار اشرف و کاخ هشت‌بهشت، اثری بر جای نمانده است (هنرفر، ۱۳۵۱: ۶-۵).

درمورد تزیینات مختلف مانند گچبری، نقاشی یا حتی آینه‌کاریِ برخی از این کاخ‌ها و عمارت‌ها همچون نمکدان، هفت‌دست و آیینه‌خانه، در متون و منابع، سخن به میان آمده، اما به تزیین کاشی‌کاری آن‌ها کمتر اشاره شده است (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۰؛ تاورنیه، ۱۳۶۳: ۳۹۳؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۵۲۲؛ جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱۴۷؛ افضل‌الملک، ۱۳۷۹: ۳۳)، اما درخصوص تزیینات کاشی‌کاری این کاخ‌ها، اشارات کمتری می‌توان یافت.

کاشی هفت‌رنگ که پیش از دورهٔ صفویان در معماری ایرانی جایگاه خود را پیدا کرده بود، در این دوره یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها در ساختن ابنیه بود و با رواج مضاعف این تکنیک در نمای بیرونی، جایگاه اصلی خود را پیدا کرد و همین‌طور در نمای داخلی، در کنار تزییناتی از قبیل نقاشی، گچبری، آیینه‌کاری مورد استفاده قرار گرفت. تولید انبوه و نصب سریع کاشی‌های هفت‌رنگ در دورهٔ صفویه در کنار عوامل معمول فرسایش که در تخریب کاشی نقش داشته‌اند، منجر به شکل‌گیری سنتی شد که در آن، بنا بر ضرورت، این تزیینات، مرمت و تعویض می‌شدند. این مسئله که به‌خوبی در اسناد تصویری باقی‌مانده از دوران قاجار دیده می‌شود، باعث شد تا پس از چند دهه به‌واسطهٔ مرمت‌ها و عدم ذکر تاریخ تجدید و بازسازی، تشخیص اصالت کاشی‌های اولیه با تردید همراه باشد.[۵] تنها با بررسی‌های دقیق و انجام آزمایش‌های سالیابی می‌توان دربارهٔ قدمت آن‌ها اظهارنظر کرد. در سالیابی صورت‌گرفته روی چهار قطعه از کاشی‌های محوطهٔ جهان‌نما نیز آن‌ها به دو دورهٔ تاریخی صفوی (۳۵۴ تا ۴۴۶ سال قبل) و قاجار (۱۸۰ تا ۲۱۵ سال قبل) نسبت داده شدند (حسن‌وند، ۱۳۹۹: ۸۶).

تا پیش از دورهٔ پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، بنا بر سنت مرمت و نگهداری از بناها در فرهنگ ایران، مرمت و تعویض کاشی‌ها به‌گونه‌ای انجام می‌شد که نمونه‌ها دقیقاً مطابق قبل باشند. امروزه این تعمیرات و قطعات تعویضی درصورت داشتن کتیبهٔ مرمت، قابل‌شناسایی و در غیر این‌صورت،

شناسایی آن‌ها مشکل و تقریباً غیرممکن است. از دورهٔ پهلوی دوم، اندک‌اندک مرمت‌کاران با تغییراتی هرچند مختصر در رنگ کاشی‌های جدید یا با علائمی، محل مرمت‌شده را مشخص می‌کردند، اما حتی در این دوره و همچنین بعد از انقلاب اسلامی کاشی‌های زیادی از بناهای دورهٔ صفوی بدون نشانهٔ مرمت یا اشاره‌ای به زمان مرمت، تعمیر یا تعویض شده‌اند که شناخت دقیق‌تر کاشی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. از طرف دیگر، مهارت بالا و صلاحیت کاشی‌کاران در مرمت کاشی‌های هفت‌رنگ و معرق بناهای اصفهان و سنت تطابق با اصل اثر در مرمت کاشی‌ها (ریاضی، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۶) امکان تطبیق و مقایسهٔ نقوش کنونی با نقوش دورهٔ صفوی را فراهم می‌سازد.

نقوش گیاهی و انواع آن در کاشی‌کاری‌های دورهٔ صفوی

عمدهٔ نقوش مورداستفاده در کاشی‌کاری کاخ‌های اصفهان شامل نقوش گیاهی (ختایی و اسلیمی)، نقوش پرندگان و حیوانات و گاه نقوش انسانی بوده است. محدودیت تصویرنگاری در بناهای مذهبی دورهٔ اسلامی باعث توجه بیشتر هنرمندان به نقوش گیاهی شد و این نگاره‌ها در دو گروه اسلیمی و ختایی، گسترده‌ترین نگاره‌های هنر ایران اسلامی را تشکیل می‌دهند (داودی، ۱۳۹۵: ۱۲). نقوش گیاهی تجریدی در دو دستهٔ کلی اسلیمی و ختایی قرار می‌گیرند که هریک از اجزاء و انواع متفاوتی تشکیل شده‌اند.

نقوش ختایی دربرگیرندهٔ ساقه‌ها و بندها، غنچه‌ها، گل‌ها (در انواع کوچک و بزرگ)، برگ‌ها (لوتوس‌ها) و تزیینات وابسته به نقوش ختایی (همچون گره‌ها و بندها، پیچک‌ها و جوانه‌ها) هستند و نقوش اسلیمی نیز از اجزایی چون بند یا شاخهٔ اسلیمی، بدنهٔ اسلیمی (با انواعی همچون ساده، گل‌دار، دهان‌اژدری)، ماری، سراسلیمی، چنگ یا پیچک و بست تشکیل شده‌اند (کشمیری، ۱۳۹۸: ۱۲۳-۱۱۵).

عمده‌ترین تغییر و تحولاتی که در نقش‌های دورهٔ صفوی ایجاد شده، در جزئیات طرح‌ها صورت گرفته است. با کاربرد بیشتر و بزرگ‌تر نقوش اسلیمی، بندها و چنگ‌های اسلیمی هویتی بارزتر یافتند و درنتیجه از فضای داخل اسلیمی‌ها نیز به‌خوبی استفاده شد. تنوع و حرکات مواج و درهم‌تنیدهٔ نقوش گیاهی در کاشی‌های هفت‌رنگ صفوی به‌دلیل اجرای آسان‌تر، نسبت‌به سایر فنون، مثل معرق، بیشتر و کامل‌تر شده است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۳) (جدول ۱). ظرافت طرح‌ها و نقش‌های گیاهی در کاشی‌ها با رنگ‌های درخشان و متنوع، آثار این دوره را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌سازد (ویلسون، ۱۳۸۶: ۹).

کاخ جهان‌نما و کاشی‌کاری‌های آن

نخستین توصیف درمورد کاخ جهان‌نما در زمان شاه عباس اول و به‌وسیلهٔ پیترو دلاواله، سیاح معروف ایتالیایی، صورت گرفته است. وی در سفرنامهٔ خود و در قسمت مربوط به ایران، از عمارت چهارگوشی در ابتدای چهارباغ سخن گفته که ایوان و پنجره‌های زیادی دارد و با تصاویر و نقش‌ونگار جالبی تزیین شده است. وی همچنین هدف از ساختن این بنا را تماشای مناظر خیابان چهارباغ و نیز ورودی دالانی که به قصر شاه می‌رسد می‌داند (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۰). شاردن نیز با اشاره به ساخت این عمارت توسط شاه عباس اول، علت ساخت آن را تماشای ورود سفرا و گردش‌های درباری بانوان حرم ذکر کرده و اضافه نموده که در یک گوشهٔ این عمارت دروازهٔ شاهی و در گوشهٔ دیگر آن، مدخل دیگری برای ورود به حرمسرا بوده که فقط زنان حرم، خواجه‌ها و شاه از آن رفت‌وآمد می‌کرده‌اند (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۱۹). با وجود قطعیت ساخت این کاخ در زمان شاه عباس اول، در هیچ منبعی زمان دقیقی برای ساخت آن ذکر نشده است. با توجه به توصیفات دلاواله که در زمان شاه عباس در سال ۱۰۲۵ه.ق. از اصفهان دیدن کرده است و همچنین شواهد به‌دست‌آمده از کاوش مبنی بر هم‌زمانی ساخت پایه‌های کاخ جهان‌نما و کانال آب میان چهارباغ، می‌توان ساخت کاخ جهان‌نما را در میانهٔ سال‌های ۱۰۰۶ تا ۱۰۱۱ هجری قمری دانست (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۵: ۸). در نوشته‌های سیاحان و اسناد تصویری موجود از کاخ جهان‌نما، این بنا در ابتدای شمالی خیابان چهارباغ قرار داشت و در کنار کارکرد مربوط به حضور بانوان در آن به‌عنوان یکی از ورودی‌های دولتخانه، ساخته شده بود (Babaie, 2008: 142-143) (تصاویر ۱ و ۲) (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۶). در اسناد مذکور، تزیینات کاشی‌کاری بنای جهان‌نما به‌عنوان یکی از شاخصه‌های کاخ قابل‌ردیابی است که خود توجه به تزیینات و به‌خصوص نقوش انسانی به‌کاررفته در داخل و خارج بنا را نشان می‌دهد.

کاخ جهان‌نما پس از حملهٔ افغان‌ها و تا دورهٔ قاجار، یعنی سال ۱۳۱۴ه.ق. با کارکردهای مختلف همچنان پابرجا بوده و با توجه به این دورهٔ طولانی می‌توان چنین استنباط کرد که دست‌کم کاشی‌های بیرون ساختمان تعویض و مرمت شده‌اند. این موضوع همان‌طور که گفته شد، در توصیفات مختصر پانویس عکس‌های دورهٔ قاجار و سالیابی روی نمونه کاشی‌های کاخ روشن است. از دورهٔ قاجار اسناد تصویری به‌مراتب بیشتری از کاخ نسبت‌به دورهٔ قبل وجود دارد. تاکنون هفت قطعه از این تصاویر شناسایی شده که برطبق آن‌ها،

نماهای جبهه‌های خارجی و ازاره‌های داخلی کاخ جهان‌نما به کاشی‌هایی خوش‌نقش مزین بوده است.[۶] نقوش گیاهی (اسلیمی و ختایی) در تمام کاشی‌های ضلع جنوبی کاخ جهان‌نما و احتمالاً قرینهٔ آن، در ضلع شمالی و همچنین در دو ضلع شرقی و غربی، به غیر از بالای ایوان ورودی که به نقوش انسانی مزین بود، به کار رفته بودند (تصاویر ۳ و ۴). همچنین، یک قاب کاشی منظره‌ای، با نقوش انسانی در قسمت میانی ضلع غربی این کاخ در عکس فردریش زاره دیده می‌شود (تصویر ۴). اگرچه در قطعات کاشی‌های مکشوفه از کاخ جهان‌نما نیز تعدادی کاشی با نقوش متعلق به قاب‌های پیکره‌ای به چشم می‌خورد، براساس تصاویر موجود از کاخ، بیشترین نقوش نمای بیرونی کاشی‌های کاخ جهان‌نما را نقوش گیاهی تشکیل داده بودند. درنهایت، جابری انصاری در سال ۱۳۱۴ه.ق./۱۸۹۶م. خبر ویرانی این کاخ توسط ظل‌السلطان و خواهر وی را می‌دهد که به گفتهٔ وی «کاشی‌های آنتیک صورت نوباوگان عجم از روی نقاشی‌های بهزاد را داشته است» (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

نقوش کاشی‌های کاخ جهان‌نما

نقوش موجود روی کاشی‌های به‌دست‌آمده از کاخ جهان‌نما متنوع بوده و برحسب موضوع به ترتیب کمیت کلی دربرگیرندهٔ سه دسته نقوش گیاهی، نقوش انسانی و نقوش جانوری بوده است. طی کاوش در محدودهٔ کاخ جهان‌نمای دورهٔ صفوی، درمجموع ۱۶۵ قطعه کاشی هفت‌رنگ به دست آمد که از

تصویر ۱. نمای جنوبی و غربی کاخ جهان‌نما از ژوزف پاپازیان در آلبوم عکس کاخ گلستان (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۸)

تصویر ۲. نمای جنوبی کاخ جهان‌نما (Sarre,1910: 35)

تصویر ۳. نمای بازسازی‌شدهٔ بخش جنوبی و غربی کاخ جهان‌نما براساس عکس فردریش زاره. محل قرارگیری کاشی با نقوشی گیاهی با رنگ قرمز و نقوش انسانی با رنگ آبی در تصویر مشخص شده است. (بازترسیم براساس طرح منوچهر صلاحی مقدم، ۱۴۰۰)

تصویر ۴. کاشی‌کاری ضلع غربی کاخ جهان‌نما با نقوش گل‌گشت، بخشی از عکس، از فردریش زاره (موزهٔ پرگامون برلین، آرشیو)

این تعداد، ۱۴۱ قطعه کاشی با نقوش گیاهی متنوع مورد بررسی قرار گرفتند. به‌منظور شناخت بهتر و درک عمیق‌تر نقوش گیاهی استفاده‌شده روی کاشی‌های کاخ جهان‌نما و با بررسی جزئیات، نقوش گیاهی به‌صورت کلی به چهار گروه اسلیمی، ختایی، اسلیمی ـ ختایی و گیاهی واقع‌گرایانه طبقه‌بندی شده‌اند (جدول ۱).

کاشی‌های بررسی‌شده که حدود ۹۱ درصد کل قطعات کاشی را در بر می‌گیرند، دارای نقش گیاهی هستند. بیشترین تعداد نقوش گیاهی متعلق به گروه نقوش ختایی (شاه‌عباسی، پنج‌پر، هفت‌پر و غنچه) با ۶۸ قطعه است. نقوش ختایی، طرح ساقهٔ گل و نموداری از شاخهٔ درخت با بوته، گل، برگ و غنچه است که در آن گل‌ها، غنچه‌ها و بندها را در بر گرفته و میان اجزاء اثر هنری ایجاد نظم و وحدت می‌کند (مالکی، ۱۳۶۶: ۶۶). نقوش ختایی در قالی پرکاربردتر و با جزئیات بیشتر و در کاشی‌کاری سبک‌تر هستند (رستمی، ۱۳۸۷: ۵). این نقوش از نظر تنوع و حرکت آزاد الگوها، نسبت‌به طرح‌های اسلیمی بیشتر موردتوجه هستند، به‌ویژه آنکه در پر کردن فضاهای خالی امکانات بیشتر به کار گرفته می‌شوند (علوی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) (جدول ۱، ردیف ۱).

با نگاهی کلی به کاشی‌های منقوش در عکس‌های موجود از کاخ جهان‌نما، به نظر می‌رسد که بیشتر نقوش به‌کاررفته در ضلع جنوبی و همچنین احتمالاً قرینهٔ همین نقوش در ضلع شمالی را نقوش اسلیمی تشکیل می‌دهند، اما همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۱ مشاهده می‌شود، در کاشی‌های به‌دست‌آمده، بیشتر این نقوش به زیرمجموعهٔ ختایی‌ها تعلق دارند. این تصور می‌تواند به این علت باشد که در ترکیبات نقوش گیاهی کاشی، اسکلت‌بندی کار را نقوش اسلیمی تشکیل می‌دهد که از لحاظ بصری استوارتر، قوی‌تر و ضخیم‌ترند و گل‌وبرگ‌های ختایی در لابه‌لای نقش‌های اسلیمی قرار می‌گیرند (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۱). بر همین اساس، تعداد قطعات با نقوش اسلیمی

جدول ۱. میزان فراوانی انواع نقوش گیاهی موجود روی کاشی‌های کاخ جهان‌نما

ردیف	نوع	تعداد	درصد	نمونه کاشی ۱	طرح کاشی ۱	نمونه کاشی ۲	طرح کاشی ۲
۱	ختایی	۶۸	۴۸		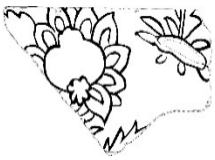		
۲	اسلیمی	۳۰	۲۱		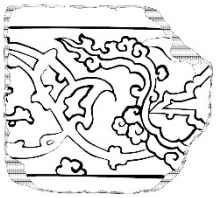		
۳	گیاهی واقع‌گرایانه	۲۳	۱۷				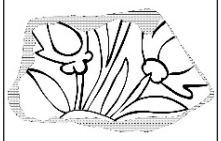
۴	اسلیمی ـ ختایی	۲۰	۱۴				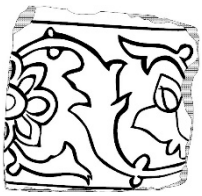

(نگارندگان، ۱۳۹۹)

۳۰ عدد و قطعاتی که دربرگیرندهٔ نقوش ترکیبی اسلیمی ـ ختایی بوده‌اند، ۲۰ عدد بود که کمترین میزان را در میان قطعات داشت (جدول ۱، ردیف‌های ۲ و ۴).

ازآنجایی‌که برخی نقوش گیاهی به‌صورت مشخص به گروه‌های اسلیمی، ختایی یا اسلیمی ـ ختایی تعلق نداشته و دربرگیرندهٔ نقوش واقع‌گرایانه‌تری نسبت‌به نقوش اسلیمی یا ختایی و بیشتر به شکل درخت یا بوته بوده‌اند، این نقوش با نام نقوش گیاهی واقع‌گرایانه نامیده شده و در طبقه‌بندی مستقل قرار گرفته‌اند (جدول ۱، ردیف ۳).

نقوش گیاهی کاشی‌کاری‌های دیگر کاخ‌های صفوی در اصفهان

کاخ عالی‌قاپو و کاشی‌کاری‌های آن

به گفتهٔ جابری انصاری، ساخت عمارت عالی‌قاپو در زمان شاه عباس اول به سال ۱۰۱۸ه.ق. آغاز شده و دیگر سلاطین صفویه نیز به تکمیل و تزیین بنای آن پرداختند که با توجه به تاریخ فوق، کاخ جهان‌نما چند سال قبل‌تر از آن ساخته شده بود (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۳۵). تمامی پشت‌بغل‌های هر چهار جانب این کاخ، کف و طاقچهٔ پاگردهای راه‌پلهٔ شاهی، با کاشی هفت‌رنگ با نقوش گیاهی پوشیده شده است (تصاویر ۵ و ۶).

راه‌پلهٔ شاهی برای رفت‌وآمد شاه و سفرا مورد استفاده قرار می‌گرفت و با چهل پله و سه پاگرد بزرگ به شکل اتاق تا طبقهٔ سوم ادامه داشت. این بخش وسعتی بیش از دیگر راه‌پله‌ها دارد و کف تمام این پله‌ها با کاشی‌های هفت‌رنگ تزیین شده است (گالدیری، ۱۳۶۲: ۲۳).

کاخ چهل‌ستون و کاشی‌کاری‌های آن

کاخ چهل‌ستون بزرگ‌ترین ساختمان در محوطهٔ کاخ‌های سلطنتی و از کوشک‌های باغی بوده که مجتمع کاخ را تشکیل داده است. نویسندهٔ کتاب «قصص‌الخاقانی» به بنا نهادن این عمارت در سال ۱۰۵۶ه.ق. در باغ دلگشای جهان‌نمای دارالسلطنهٔ اصفهان اشاره دارد (شاملو، ۱۳۷۱: ۳۰۴). اگرچه احداث عمارت اولیه در باغ چهل‌ستون احتمالاً به سال ۱۰۰۸ه.ق. و زمان شاه عباس اول برمی‌گردد (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۷۶)، باید تزیینات آن را از همان زمان شاه عباس دوم به بعد دانست.

کاشی‌های هفت‌رنگ با نقوش گیاهی در طاق‌نماهای سه جانب کاخ چهل‌ستون در شمال، جنوب و غرب مشاهده می‌شود که در هیچ‌کدام از منابع موردمطالعهٔ دورهٔ صفوی از آن‌ها یاد نشده است. کاشی‌کاری اضلاع شمالی و جنوبی کاملاً با یکدیگر قرینه بوده‌اند (تصویر ۷)، اما نقوش گیاهی در کاشی‌های ضلع غربی کاخ متفاوت‌تر هستند (تصویر ۸).

تصویر ۵. کاشی‌کاری راه‌پلهٔ شاهی کاخ عالی‌قاپو (نگارندگان)

تصویر ۶. کاشی‌کاری نمای غربی کاخ عالی‌قاپو (نگارندگان)

تصویر ۷. کاشی‌کاری ضلع جنوبی (قرینهٔ کاشی‌کاری ضلع شمالی) چهل‌ستون (نگارندگان)

تصویر ۸. کاشی‌کاری ضلع غربی چهل‌ستون (نگارندگان)

کاخ هشت‌بهشت و کاشی‌کاری‌های آن

کاخ هشت‌بهشت در باغی به نام «باغ بلبل» ساخته شده و به استناد ماده‌تاریخ درج‌شده در «تذکرهٔ نصرآبادی» سال اتمام بنا ۱۰۸۰ه.ق. بوده است. احداث عمارت به احتمال قوی در زمان شاه عباس دوم آغاز شده و در سال سوم سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ه.ق.) به پایان رسیده است (مشتاقیان، ۱۳۹۳: ۱۴).

کاشی‌کاری در پشت‌بغل‌های هشت ضلع خارجی کاخ هشت‌بهشت تماماً با کاشی هفت‌رنگ و با نقوش حیوانی، گیاهی و انسانی پوشیده شده است. مضامین آن‌ها نیز از تنوع زیادی ازجمله بزم‌ورزم، ادبی و شکار برخوردار است. موضوعاتی چون گرفت‌وگیر، دوستی خاله‌خرسه، شکارگاه، داستان‌های تاریخی ـ فرهنگی و ادبی در میان گل‌ها و گلدان‌ها نقش شده‌اند و درواقع، نقوش گیاهی بیشتر پرکنندهٔ فضاهای خالی هستند (تصاویر ۹ و ۱۰).

در میان نقوش گیاهی که به‌صورت انتزاعی ترسیم شده‌اند، نقش درخت سرو، به نشانهٔ زندگی، از همهٔ نقوش گیاهی برجسته‌تر است. برگ‌ها با دو رنگ و گل‌ها با چند رنگ ترسیم شده‌اند. تصاویر، کمتر قرینه‌سازی شده‌اند و هیچ نقشی از دیگر نقوش جدا نیست. گاهی تزیینات متن آن‌قدر زیاد می‌شود که چشم به‌سختی عناصر دیگر را می‌بینند و ریتم گل و برگ متناسب و مشابه با حرکات جانوران ترسیم شده است (نصر اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۴-۹).

در ورودی تمام اتاق‌ها و پای پنجره‌ها، شاهد استفاده از کاشی با طرح گل و بوته هستیم. همچنین، پلهٔ بنا در شمال‌غربی و جنوب‌شرقی به‌وسیلهٔ کاشی تزیین شده بود که درحال‌حاضر تنها راه‌پلهٔ شمال‌غربی کاشی‌هایی از دوران گذشته را داراست (تصویر ۱۱). نمونهٔ جالب به‌کارگیری کاشی در این بنا، در حوض کوچکی که در زیر آبشار یا آبسُره در ایوان ضلع جنوبی قرار دارد کار شده است. این کاشی‌ها برای لبهٔ حوض و به‌صورت قوس‌دار ساخته شده‌اند (تصویر ۱۲) (مشتاقیان، ۱۳۹۳: ۷۴).

تطبیق نقوش گیاهی کاشی‌های کاخ جهان‌نما با دیگر کاخ‌های دورهٔ صفوی اصفهان

جهت تطبیق بهتر نقوش گیاهی کاشی‌های جهان‌نما با سایر کاخ‌های صفوی اصفهان، نقوش، در گروه‌های چهارگانهٔ پیش‌گفته در دو جدول ۲ و ۳ توسط نگارندگان ارائه شد. دو جدول ۲ و ۳ به‌ترتیب نشان‌دهندهٔ نقوش گیاهی مشترک (جدول ۲) و نقوش گیاهی متفاوت (جدول ۳) در میان کاشی‌کاری کاخ‌ها است که به تفکیک نام و نوع در این جداول قرار گرفته‌اند. در

تصویر ۹. قاب کاشی با نقوش گیاهی (اسلیمی ـ ختایی) در پشت‌بغل‌های کاخ هشت‌بهشت (نگارندگان)

تصویر ۱۰. قاب کاشی با نقوش گیاهی (ختایی) در پشت‌بغل‌های کاخ هشت‌بهشت (نگارندگان)

تصویر ۱۱. نقوش گیاهی در پله‌های شمال‌غربی با کاخ هشت‌بهشت (نگارندگان)

تصویر ۱۲. حوض کاشی با نقوش گیاهی در ایوان جنوبی کاخ هشت‌بهشت (نگارندگان)

جدول نقوش مشترک، نقوش گیاهی کاشی‌های کاخ جهان‌نما که در سایر کاخ‌های اصفهان نیز مشاهده شده، به‌ترتیب از نقش اسلیمی دهان‌اژدری تا بوته آورده شده است. ازآنجایی‌که در بخش تطبیق، اشتراک و افتراق نقوش کاشی‌های کاخ جهان‌نما با سایر کاخ‌ها مد نظر بوده است، آن دسته از نقوش کاشی‌های کاخ جهان‌نما (همچون اسلیمی خرطوم‌فیلی) که مشابه آن در نقوش سایر کاخ‌ها وجود نداشته و بالعکس آن نقش (گل چهارپر و گل پنبه‌ای) که مشابه آن در قطعات کاشی‌های مکشوفه از جهان‌نما مشاهده نشده است، در جداول نقوش غیرمشترک آورده شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شمار قابل‌ملاحظه‌ای از نقوش اسلیمی (همچون اسلیمی ساده،

جدول ۲. نقوش گیاهی مشترک در کاشی‌کاری‌های کاخ جهان‌نما و دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان

نوع نقش	کاخ جهان‌نما	کاخ عالی‌قاپو	کاخ چهل‌ستون	کاخ هشت‌بهشت
اسلیمی دهان‌اژدری				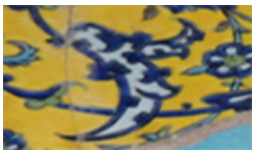
اسلیمی گل‌دار				–
			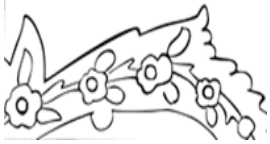	–
اسلیمی ماری یا ابری			–	–
			–	–
اسلیمی ساده	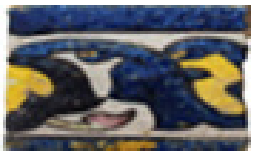		–	–

ادامه جدول ۲. نقوش گیاهی مشترک در کاشی‌کاری‌های کاخ جهان‌نما و دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان

نوع نقش	کاخ جهان‌نما	کاخ عالی‌قاپو	کاخ چهل‌ستون	کاخ هشت‌بهشت
اسلیمی ساده			–	–
چنگ اسلیمی				–
		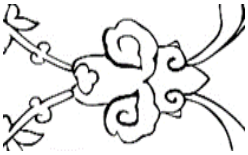		–
سرپند اسلیمی				
ترنج اسلیمی				
		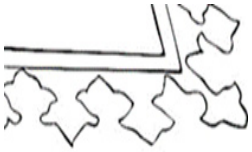		
گل شاه‌عباسی				
	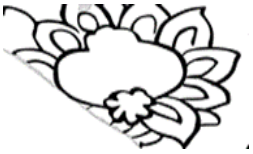			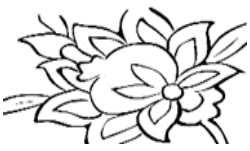

ادامه جدول ۲. نقوش گیاهی مشترک در کاشی‌کاری‌های کاخ جهان‌نما و دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان

نوع نقش	کاخ جهان‌نما	کاخ عالی‌قاپو	کاخ چهل‌ستون	کاخ هشت‌بهشت
گل پنج‌پر			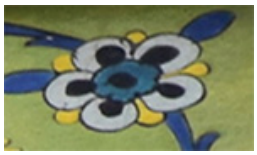	
		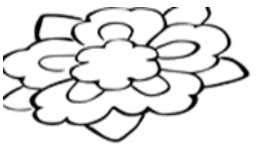		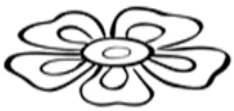
گل هفت‌پر			–	–
	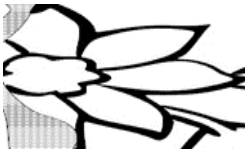		–	–
گل پروانه‌ای	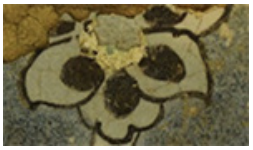			–
	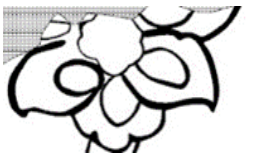		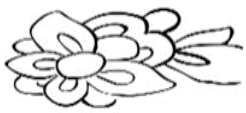	–
غنچه				–
				–
برگ کنگری	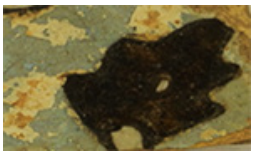			

ادامه جدول ۲. نقوش گیاهی مشترک در کاشی‌کاری‌های کاخ جهان‌نما و دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان

نوع نقش	کاخ جهان‌نما	کاخ عالی‌قاپو	کاخ چهل‌ستون	کاخ هشت‌بهشت
برگ کنگری				
بوتهٔ گل			–	
			–	

(نگارندگان، ۱۳۹۹)

گل‌دار، دهان‌اژدری، ماری یا ابری)، ختایی (همچون غنچه‌ها، گل‌های پنج‌پر یا هفت‌پر، گل‌های پروانه‌ای یا شاه‌عباسی)، سربندها، چنگ‌ها یا ترنج‌های اسلیمی، در میان کاشی‌کاری‌های کاخ‌ها با میزان بالایی از شباهت در ترسیم، مشترک بوده و تکرار شده‌اند که این امر نشانهٔ مطلوب و موردپسند بودن و رواج این نقوش است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که کاشی‌های کاخ جهان‌نما نسبت‌به کاشی‌های دیگر کاخ‌های صفوی برجامانده در اصفهان، از تنوع رنگ کمتری برخوردارند و بیشتر کاشی‌ها با پس‌زمینهٔ قهوه‌ای و طلایی و با قلم‌گیری‌های مشکی ترسیم شده‌اند، درحالی‌که در دیگر کاخ‌ها با وجود تداوم به‌کارگیری قلم‌گیری مشکی، پس‌زمینهٔ نقوش بیشتر با رنگ‌های لاجوردی، سفید یا زرد طلایی است. رنگ نقوش نیز در کاشی‌های جهان‌نما تنوع کمتری داشته و رنگ‌هایی مانند سبز، فیروزه‌ای، سفید و طلایی از عمدهٔ این رنگ‌ها به شمار می‌آیند، درحالی‌که در نقوش دیگر کاخ‌ها، به‌ویژه چهلستون و هشت‌بهشت، رنگ‌ها کمیت بیشتری داشته و علاوه بر رنگ‌های پیش‌گفته در کاخ جهان‌نما، از رنگ‌های لاجوردی، قهوه‌ای، سیاه و زرد نیز استفاده شده است.

همچنین به نظر می‌رسد نقوشی مانند اسلیمی دهان‌اژدری، اسلیمی گل‌دار، سربندها یا گل‌های شاه‌عباسی در کاخ‌های چهلستون و هشت‌بهشت با جزئیات بیشتر و مفصل‌تر از نمونه‌های موجود در کاخ‌های جهان‌نما و عالی‌قاپو ترسیم شده‌اند. می‌توان احتمال داد که نمونه‌های کهن‌تر ساده‌تر ترسیم شده‌اند و نقوش با گذشت زمان، مفصل‌تر و همراه با جزئیات بیشتر ترسیم شده‌اند. همچنین، با تطبیق نقوش، مشخص شد که برخی نقوش گیاهی در برخی کاخ‌ها به‌صورت منفرد استفاده شده‌اند و نمونهٔ این نقوش در کاخ‌های دیگر برجامانده از دورهٔ صفوی مشاهده نمی‌شود (جدول ۳).

ذکر این نکته لازم است که عدم وجود برخی از این نقوش در کاشی‌های مکشوفه از کاخ جهان‌نما، با توجه به تخریب و در اختیار نداشتن تصاویر باکیفیت از کاشی‌های با نقش گیاهی از این کاخ، به‌منزلهٔ قطعیت تفاوت در این نقش‌ها در کاخ جهان‌نما و سایر کاخ‌ها نیست.

بحث و جمع‌بندی

در پژوهش حاضر ضمن بررسی انواع نقوش به‌کاررفته در کاشی‌های به‌دست‌آمده از محل کاخ جهان‌نمای صفوی اصفهان، این کاشی‌ها براساس نقش موجود به چهار دستهٔ اسلیمی، ختایی، اسلیمی ـ ختایی و واقع‌گرایانه تقسیم شده‌اند. در مرحلهٔ بعد، این نقوش با نقوش کاشی‌کاری در سایر کاخ‌های صفوی اصفهان، یعنی کاخ‌های عالی‌قاپو، چهل‌ستون و هشت‌بهشت مقایسه شدند. بدین منظور، مصادیق مهم و اساسی جهت تطبیق در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است که براساس آن مشخص شد نقوش گیاهی کاشی‌های این کاخ‌ها در بیشتر موارد مشترک بوده است.

نکتهٔ قابل‌ذکر دربارهٔ کاشی‌کاری‌های کاخ‌های صفوی اصفهان آن است که تمام کاشی‌های به‌کاررفته در این کاخ‌ها از کاشی هفت‌رنگ و مکان قرارگیری آن‌ها در پشت‌بغل‌های دیوارهای بیرونی و گاه ازاره‌ها بوده است. استفاده از کاشی هفت‌رنگ در این بناها، موجب آسان‌تر شدن نقش‌اندازی و امکان در هم تنیده کردن نقوش توسط هنرمند و همچنین، توجه وی به نقش و ظریف‌تر ترسیم شدن نقوش آن شده است.

براساس اسناد و مدارک موجود برجامانده که مربوط به کاخ جهان‌نما هستند، این کاخ همچون دیگر کاخ‌های صفوی، دارای کاشی‌هایی با نقوش متنوع انسانی، گیاهی و احتمالاً جانوری با مضامین مختلف، ازجمله صحنه‌های گل‌گشت و خوش‌گذرانی بوده که با توجه به کارکرد غیرمذهبی این ابنیه، تمرکز بر این مضامین از یک سو و نبود مضامین مذهبی در قاب‌های کاشی‌کاری از سویی دیگر، این امر توجیه‌پذیر است. همچنین، مدارک تصویری به‌دست‌آمده از این کاخ پیش از تخریب، نشان می‌دهد که در نمای بیرونی ساختمان، نقوش گیاهی نسبت‌به دیگر نقوش به‌کاررفته در کاخ جهان‌نما، از جامعیت و کمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند و این امر با بررسی کاشی‌های به‌دست‌آمده از کاوش نیز تأیید می‌شود و نقوش گیاهی که عمدتاً دربرگیرندهٔ نقوش اسلیمی، ختایی یا گل‌وبوته

جدول ۳. نقوش گیاهی غیرمشترک در کاشی‌های کاخ جهان‌نما و دیگر کاخ‌های صفوی اصفهان

نوع نقش	کاخ جهان‌نما	کاخ عالی‌قاپو	کاخ چهل‌ستون	کاخ هشت‌بهشت
اسلیمی خرطوم‌فیلی		–	–	–
		–	–	–
گل پنبه‌ای	–	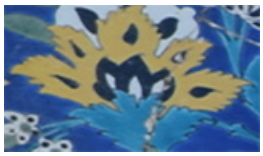		
	–			
گل چهارپر	–		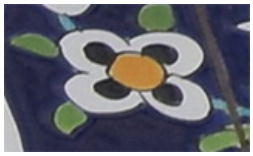	
	–		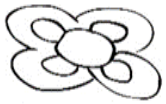	

(نگارندگان ۱۳۹۹)

بوده‌اند، از بیشترین تعداد برخوردار هستند (تصویر ۱۳).

همان‌طور که در نمودار ملاحظه می‌شود، ۶۸ قطعه، برابر با ۴۸ درصد، یعنی حدود نیمی از مجموع کاشی‌های گیاهی به‌دست‌آمده از کاوش کاخ جهان‌نما، دارای نقوش مختلف ختایی هستند. پس از این دسته، به‌ترتیب نقوش اسلیمی با ۳۰ قطعه و ۲۱ درصد و نقوش گیاهی که به‌صورت واقع‌گرایانه‌تر ترسیم شده‌اند با ۲۳ قطعه و ۱۷ درصد، از نظر کمیت در رتبه‌های بعدی قرار دارند و بالاخره نقوش ترکیبی اسلیمی ـ ختایی تنها با ۲۰ قطعه و ۱۴ درصد، یعنی کمتر از یک‌ششم تعداد کل قطعات را در بر گرفته‌اند که این امر نشان‌دهندهٔ استقبال از نقوش انتزاعی‌تر در این دوره است.

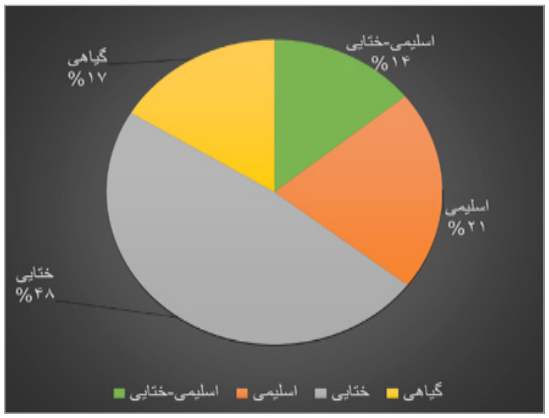

تصویر ۱۳. نمودار دایره‌ای درصد انواع نقوش گیاهی موجود روی کاشی‌های مکشوفه از کاخ جهان‌نما (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

شناسایی محدودهٔ بناهای ازمیان‌رفتهٔ دورهٔ صفوی و انجام کاوش‌های باستان‌شناسی شهری در آن‌ها، موجب شفاف‌سازی بخش‌های مهمی از تاریخ هنر و صنعت این دوره شده است. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش باید گفت، از ۱۶۵ قطعه کاشی به‌دست‌آمده از کاوش در محل کاخ جهان‌نما، جمعاً ۱۵۵ قطعه دارای نقش بود که از این تعداد، ۱۴۱ قطعه دارای نقوش گیاهی بودند. نقوش گیاهی به‌دست‌آمده در قالب چهار گروه مختلف، اعم از اسلیمی، ختایی، ترکیب اسلیمی ـ ختایی و نقوش گیاهی که نسبت‌به نقوش دیگر واقع‌گرایانه‌تر ترسیم شده‌اند، تقسیم‌بندی شدند. بررسی‌ها نشان داد که بیشترین میزان نقوش، متعلق به گروه ختایی و کمترین آن‌ها مربوط به گروه اسلیمی ـ ختایی بود، اما درمجموع ۱۱۸ قطعه با ۸۳ درصد دارای انواع نقوش انتزاعی ختایی و اسلیمی بودند که این امر نشان‌دهندهٔ موردپسند بودن نقوش انتزاعی نسبت‌به نقوش واقع‌گرایانه‌تر بود.

بررسی و تطبیق میان نقوش به‌دست‌آمده از کاشی‌های مکشوفهٔ کاخ جهان‌نما با دیگر کاخ‌های برجامانده از دورهٔ صفوی نشان می‌دهد که گرچه از انواع دیگر نقوش، مانند نقوش انسانی و جانوری نیز در تزیین کاخ‌های صفوی استفاده شده است، در دیدی جامع‌نگر، نقوش گیاهی با تنوعی قابل‌توجه، بیشترین نقش استفاده‌شده در کاشی‌های به‌کاررفته در نمای بیرونی ساختمان است. انواع نقوش گیاهی تمام سطوح کاشی‌های کاخ عالی‌قاپو و چهل‌ستون را نیز آراسته‌اند، به‌طوری‌که شاخه‌ها و مارپیچ‌های اسلیمی پیچان در زمینهٔ قاب‌های کاشی به گردش درآمده‌اند و نقوش ختایی در فضاهای بین آن‌ها نقش شده‌اند. این در حالی است که در کاخ هشت‌بهشت از نقوش اسلیمی به‌ندرت و به‌صورت ابتدایی و بیشتر در حاشیه‌ها استفاده شده و بیشتر نقوش زمینه را گل‌های ختایی تشکیل می‌دهند. بااین‌حال، تنوع بیشتری از نقش اسلیمی با انواع دهان‌اژدری، گل‌دار، ابری، ساده، چنگ و سربند و ترنج اسلیمی، به‌خصوص در کاخ جهان‌نما و عالی‌قاپو در این کاشی‌ها دیده شد. ازجمله تفاوت‌های موجود در طرح‌اندازی نقوش روی کاشی‌ها، قلم‌گیری دور نقوش است که در کاخ جهان‌نما با جزئیات و دقت بیشتری نسبت‌به کاخ‌های دیگر دیده می‌شود (جداول ۲ و ۳). همچنین، نقوش کاشی‌های جهان‌نما علی‌رغم سادگی، از زیبایی و ظرافت بسیاری برخوردارند. در کاشی‌های کاخ جهان‌نما ساقه و برگ کمتری نسبت‌به کاخ‌های دیگر مشاهده می‌شود و کاشی‌کاران از نقوش ختایی و اسلیمی بیشتری در نقش‌اندازی روی کاشی‌های این کاخ استفاده کرده‌اند. اسلیمی خرطوم‌فیلی، تنها نقش موجود روی کاشی‌های جهان‌نما، در سایر کاخ‌های اصفهان مشاهده نشده است.

دربارهٔ رنگ کاشی‌کاری کاخ‌ها نیز رنگ‌های آبی لاجوردی و زرد رنگ‌های غالب بوده‌اند. رنگ زمینه در کاشی‌های جهان‌نما عمدتاً زرد طلایی یا لاجوردی است. درکل، در کاشی‌های کاخ هشت‌بهشت و نیز در کاشی‌کاری داخل بنای عالی‌قاپو تنوع رنگی بیشتری نسبت‌به کاشی‌های صفوی موجود از کاخ جهان‌نما و کاخ چهل‌ستون مشاهده

می‌شود. این امر را احتمالاً بتوان نشانه‌ای از سیر تحولی نقوش از بسیط به‌سوی تفصیلی بودن و دورهٔ گذر از شاه عباس اول به اواخر دورهٔ صفوی دانست.

آنچه مسلم است، موضوعات و نحوهٔ اجرای نقوش به‌کاررفته در کاشی‌های کاخ‌های صفوی پیرو سبک نگارگری و مسائل رایج آن دوره است. استفادهٔ گسترده از نقوش گیاهی و به‌صورت ویژه، نقوش اسلیمی ختایی، نسبت‌به نقوش انسانی و جانوری، نشان از اهمیت این نقوش در تزیینات کاشی‌کاری دورهٔ صفوی است. درمجموع، استفاده از رنگ‌های لاجوردی و زرد و به کار بردن نقوش گیاهی منطبق بر اصول نگارگری دورهٔ صفوی به این بناها شکوه و عظمت خاصی بخشیده و هنر آن روزگار ایران را در کاشی‌کاری‌های آن دوره ضبط کرده و به تصویر کشیده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود جهت تنویر نقاط بیشتر در کیفیت نقوش کاشی‌های دورهٔ صفوی و انجام پژوهش‌های آتی، علاوه بر تمرکز بر دیگر نقوش به‌کاررفته در کاخ‌های دورهٔ صفوی همچون نقوش انسانی و جانوری، آزمایش‌های مرتبط با کانی‌نگاری کاشی‌های این دوره نیز جهت منشأیابی و آگاهی از کیفیت و چگونگی مرمت‌های پس از دورهٔ صفوی مد نظر قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Wills, Charles James
2. John Thomson
3. Metropolitan Museum of Art, Victoria and Albert Museum, The Louvre Museum
4. Rhinoceros

۵. گرچه طبق نظر متخصصان این فن، عمر مفید کاشی هفت‌رنگ حدود ده سال است و از این زمان به بعد در معرض تهدید قرار می‌گیرد (پورنادری، ۱۳۸۵: ۱۵۲)، فهم دقیق آن با توجه به موقعیت بنا و کاشی، به بررسی دقیق نیاز دارد.

۶. شجاعی اصفهانی به‌تفصیل دربارهٔ تصاویر کاخ جهان‌نما در دورهٔ قاجار و پیش از تخریب، سخن گفته است. جهت اطلاعات بیشتر در این باره به شجاعی اصفهانی (۱۳۹۶) رجوع شود.

منابع و مآخذ:

- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۷۹). **سفرنامهٔ اصفهان**. به کوشش ناصر افشارفر، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- الاصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸). **نصف جهان فی تعریف الاصفهان**. تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر.
- *الیاسی آزاد، فتانه (۱۳۹۶). «بررسی نوآوری‌های نقوش اسلیمی کاشی‌کاری عصر صفوی با تأکید بر نقوش ابداعی (مطالعهٔ موردی: مساجد امام و شیخ لطف‌الله)»*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان.
- پوپ، آرتور (۱۳۹۰). **شاهکارهای هنر ایران**. ترجمهٔ پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی‌وفرهنگی.
- پورنادری، حسین (۱۳۸۵). **روند تاریخی تعمیرات گنبد مسجد جامع عباسی، سومین کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم**. جلد سوم، تهران: میراث فرهنگی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳). **سفرنامه**. ترجمهٔ ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، چاپ سوم، اصفهان: کتابخانهٔ سنایی و تأیید.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان (۱۳۴۲). **جغرافیای اصفهان**. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۲۱). **تاریخ اصفهان و ری و همهٔ جهان**. اصفهان: عمادزاده.
- ---------- (۱۳۷۸). **تاریخ اصفهان**. تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل و بهی.
- حسن‌وند، فاطمه (۱۳۹۹). *«مطالعهٔ تطبیقی نقوش، مضامین و فنون کاشی‌های مکشوفه از کاخ جهان‌نما با دیگر کاخ‌های صفوی شهر اصفهان»*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.
- داودی، فریده (۱۳۹۵). *«پژوهشی بر نقش‌مایه‌های کاشی‌های مسجد شیخ لطف‌الله و به‌کارگیری آن در طراحی زیورآلات با ترکیب نقوش هندسی»*. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان.

- دلاواله، پیترو (۱۳۸۴). **سفرنامهٔ پیترو دلاواله**. ترجمهٔ شعاع‌الدین شفا، چاپ چهارم، تهران: علمی‌وفرهنگی.
- رستمی، مجیدرضا (۱۳۸۷). **مجموعهٔ کامل و کاربردی طرح‌های تزیینی**. تهران: فخراک‌یا.
- رضاسلطانی، زهرا (۱۴۰۰). «*مطالعهٔ تطبیقی کاشی‌های با نقوش انسانی دورهٔ صفویه با نگاره‌های هم‌دوره به‌منظور تاریخ‌گذاری نسبی آن‌ها*». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۹۵). **کاشی‌کاری قاجاری**. چاپ اول، تهران: یساولی.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۴). **سفرنامهٔ سیف‌الدوله (سفرنامهٔ مکه)**. تصحیح علی‌اکبر خداپرست، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴). **سفرنامهٔ شاردن**. ترجمهٔ اقبال یغمایی، جلد چهارم، تهران: توس.
- --------- (۱۳۷۹). **سفرنامهٔ شاردن (قسمت اصفهان)**. به کوشش مرتضی تیموری، ترجمهٔ حسین عریضی، اصفهان: گلها.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱). **قصص الخاقانی**. تصحیح سید حسن سادات ناصری، چاپ اول، جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شجاعی اصفهانی، علی (۱۳۹۵). **گزارش مطالعات باستان‌شناختی در محوطهٔ جهان‌نما و خیابان چهارباغ محل ایستگاه قطار شهری در میدان امام حسین (دروازه‌دولت) و انقلاب** (منتشرنشده).
- شجاعی اصفهانی، علی (۱۳۹۶). کاخ جهان‌نما و مدخل ورود به خیابان چهارباغ در اسناد تصویری و نوشتاری دوران صفوی تا پهلوی. *پژوهش‌های ایرانشناسی*، (۱)، ۴۸-۲۹.
- علوی، مهدی (۱۳۹۰). **کاشی**. چاپ اول، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- کشمیری، مریم (۱۳۹۸). **تذهیب در ایران**. چاپ دوم، تهران: سمت.
- گالدیری، اوژنیو (۱۳۶۲). **عالی‌قاپو**. ترجمهٔ عبدالله جبل عاملی، چاپ اول، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.
- مالکی، شهریار (۱۳۶۶). **اسلیمی و ختایی و گل شاه‌عباسی**. تهران: فرهنگسرا.
- ماهرالنقش، رؤیا و همکاران (۱۳۹۷). «*بررسی تطبیقی نقوش جانوری در تزیینات کاشی‌کاری دورهٔ صفویه با دورهٔ قاجاریه در بناهای تاریخی اصفهان*». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان.
- ماهرالنقش، محمود (۱۳۶۱). **طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دورهٔ اسلامی(دفتر اول گره‌کش)**. تهران: موزهٔ رضا عباسی.
- مشتاقیان، سلیمه (۱۳۹۳). «*تاریخ و مبانی نظری و عملی مرمت تزیینات معماری کاخ هشت‌بهشت اصفهان*»، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد مرمت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، استاد راهنما: بهنام پدرام.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷). **تاریخ هنر ایران دورهٔ اسلامی، تزیینات معماری**. چاپ اول، تهران: سمت.
- منصوری جزآبادی، جمیله (۱۳۹۳). «*بررسی و مطالعهٔ تکنیک ساخت و تزیین کاشی‌کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان، از آغاز عصر صفویه تا اواخر دورهٔ قاجار*». پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، باستان‌شناسی تمدن و فرهنگ اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان.
- نصر اصفهانی، غلامرضا (۱۳۸۹). **عمارت هزارنقش**. چاپ اول، تهران: مؤسسهٔ نشر آثار هنری.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۱). هشت‌بهشت اصفهان. هنر و مردم، (۱۱۷)، ۲-۱۶.
- ویلسون، اوا (۱۳۸۶). **طرح‌های اسلامی**. ترجمهٔ محمدرضا ریاضی، چاپ پنجم، تهران: سمت.

- Babaie, S. (2008). **Isfahan and its palaces: statecraft, Shi'ism and the architecture of conviviality in early modern Iran**. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Emami, F. (2019). All the City's Courtesans: A Now-Lost Safavid Pavilion and Its Figural Tile Panels, New York: *Metropolitan Museum Journal*: 54, 62-88.
- Holakooei, P. (2012). *"Technological study of the seventeenth century haft rang tiles in Iran"*. Phd Thesis, Italy: Ferrara University.

- Sarre, F. (1910). **Denkmäler persischer Baukunst: geschichtliche Untersuchung und Aufnahme muhammedanischer Backsteinbauten in Vorderasien und Persien,** Berlin, Wasmuth, Bd. 1 Tafelband, 1901, Bd. 2, Textband.
- Thomson, J. (unpublished). **A Collection of Photographs taken in Persia, Turkey and in the Caucasus, during a seven months' journey in 1891**.
- Wills, C. J. (1891). **In the land of the lion and sun: or Modern Persia. Being experiences of life in Persia from 1866 to 1881**. London-New York: Ward, Lock.

Received: 2023/03/15
Accepted: 2023/06/07

A Comparative Study of Plant Motifs on the Tiles of the Ruined Jahānnāma Pavilion with other Safavid Palaces

Fatemeh Hasanvand* Mitra Shateri Ali Shojayi Isfahani*****

Abstract

Jahānnāma Pavilion at the beginning of Čahārbāḡ Street is one of the famous palaces of the Safavid period, which, like many other palaces of this period, was completely destroyed during the Qajar era and specifically, the ruling of Ẓell-al-Solṭān. With archaeological excavations in the approximate area of the palace in 2014, in addition to determining its exact location, a significant number of seven-color tile pieces with plant motifs were obtained. The present study was carried out with the aim of identifying the plant motifs used on the tiles of the ruined palace of Jahānnāma and finding the similarities and differences between these motifs and the plant motifs of the tiles of the remaining Safavid palaces in Isfahan and identifying their indicator characters. The research questions are: What kind of plant motifs are mostly used in Jahānnāma Palace tiles? And what similarities or differences these plant motifs have with the plant motifs on the tiles of other Safavid palaces in Isfahan? The information for this research was gathered through examining data through library documents and texts on the one hand, and field investigations on the other hand from among 141 pieces of remaining tiles from Jahānnāma Palace and comparing them with the patterns of tiles of other palaces remaining from the Safavid period in Isfahan. As such, the research method is descriptive-analytical and comparative. The results of the investigation showed that among the plant motifs in the tiles of Jahānnāma Palace, *Eslīmī* and *ḵatāʾī* motifs have the highest quantity, respectively, and these motifs, with their vast subsets, show that they are very similar to other motifs found on the tiles of other palaces in Isfahan. In all four researched palaces (ʿĀlīqāpū, Čehelsotūn, *Haštbehešt*, and Jahānnāma), the greatest similarity can be seen in the combination of Islamic motifs with *ḵatāʾī* motifs, while in some parts, *ḵatāʾī* motifs are used individually and only in one of the palaces.

Keywords: Isfahan, Seven-color tiling, Jahānnāma Pavilion, Safavid palaces, plant motifs, Eslīmī and ḵatāʾī motifs

* Master of Islamic Archaeology, Literature and Humanity Sciences Faculty, Shahrekord University, Iran. *fh.arch96@gmail.com*

** Associate Professor, Literature and Humanity Sciences Faculty, Shahrekord University, Iran (Corresponding author). *shateri.mitra@sku.ac.ir*

*** Assistant Professor in Archaeology Department, Art University of Isfahan, Iran. *a.shojaei@aui.ac.ir*